

دختران را درست ببینیم

در راستای حمایت از زنان قوانین زیادی به تصویب رسیده‌اند و مراجع محترم تقلید نیز فتواهایی در این باره صادر کرده‌اند، اما هر چند در لفظ و بیان منکر باشیم، هنوز باور جنس دوم بودن زن، حتی در میان خیل کثیری از خود بانوان، وجود دارد. به نظر من، دلیل عمده‌ی این مسئله، باور نداشتن زن در ناخودآگاه جمعی ماست؛ ما، یعنی هم مردان و هم بسیاری از زنان. اگر واقعاً قصد داشته باشیم زنان را به نقشی که خداوند برای آن‌ها تعیین کرده است بازگردانیم، باید ناخودآگاه جمعی ملتی را بکاویم و اصلاحش کنیم. اصلاح این باور سخت نیست و اگر دین‌مدار باشیم و به مخلوقات خداوند، چنانچه هستند و آفریده شده‌اند، احترام بگذاریم، گامی به جلو برداشته‌ایم. مردان وظیفه‌ی خود را دارند و زنان وظیفه‌ی خود را. اما آنچه مورد نظر این

● در دهه‌های گذشته راه‌های زیادی برای ورود بانوان به عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظایر آن باز شده‌اند. اما هنوز راه‌های زیادی هم بسته مانده‌اند. کلید بازگشایی قفل این راه‌های بسته، در بعضی موارد قانون است و در بسیاری از موارد عرف اجتماعی و در اساس «باور اجتماعی». ما باید باور کنیم که زن مخلوقی جدای از مرد نیست، بلکه انسانی است با نقش جنسیتی متفاوت. آنجا که از اشرف مخلوقات صحبت می‌شود، به هر دو جنس اشاره شده است. آنجا که خداوند فرشتگان را به سجده بر مخلوق جدید خود امر می‌کند، منظورش سجده بر مرد نیست، بلکه منظورش نوع انسانی است که آفریده. هر دو جنس هم در برابر خداوند تکالیف یکسان دارند. اما متأسفانه، از سید مزایای زیستن در جامعه، مردان همیشه سهم بیشتری برمی‌دارند. در سالیان اخیر، بسیاری از روحانیان، روشنفکران و دولتمردان، جسته‌وگریخته، رعایت حقوق زنان را موضوع صحبت‌ها و بیانیه‌های خود کرده‌اند. تقریباً یکی از مهم‌ترین شعارهای تبلیغاتی نامزدهای هر مقامی که نیاز به کسب آرای عمومی دارد، توجه به حقوق و جایگاه زنان در جامعه است.

اندیشه‌ی معلمی

الهام‌فرستی

معلم
خوب محیطی
را ایجاد می‌کند که
دانش‌آموزان در آن
موفق شوند.



برای
موفقیت، اولین
شرط این است که
عاشق کارت شوی.





یادداشت است این است که اصلاح باید از دختران کم سن و سال آغاز شود. هم از لحاظ نگاه جامعه به آن‌ها و هم از لحاظ خود دختران به خودشان. تقریباً نیمی از جمعیت دانش‌آموزی ما را دختران تشکیل می‌دهند. باور کنیم که آن‌ها جنس دوم نیستند و این باور را در ذهن، فکر و دلشان بکاریم. در ابتدا وظیفه‌ی والدین است که از زمان تولد این باور را به دخترانشان منتقل کنند. بعد هم وظیفه‌ی معلم‌های عزیز است که دختران را به نقش خودشان واقف کنند. وظیفه‌ی ماست که دختران را باور کنیم و کمک کنیم آن‌ها خودشان را باور کنند. ■

معلم
خوب می‌داند
چگونه استعدادهای
دانش‌آموزان را
پیدا کند.



معلمان
خوب الهام
می‌بخشند. معلمان برتر
چگونه الهام بخشیدن
به خود را در همه‌ی
لحظات زندگی نشان
می‌دهند.

معلم
خوب بعضی
اوقات یک متخلف
را به یک شهروند
قانونمند تبدیل
می‌کند.